



پرویز دوائی، قصه‌گوی غریب پراگ، با قلمی جادویی، خواننده را به کوچه‌های باران خورده‌ی خاطره و نوستالژی می‌برد. این کتاب، مجموعه‌ای از نامه‌های خیالی نیست، بلکه تابلویی است از دل‌تنگی‌های یک مهاجر که با ظرافت، زندگی را نقاشی می‌کند. دوائی، منتقد و نویسنده نامدار که عاشق سینما است، در این کتاب نامه‌هایی از پراگِ سرد و خاکستری می‌نویسد، اما انگار هنوز در کوچه‌پس‌کوچه‌های لاله‌زار قدم می‌زند. او با توصیف‌هایش از یک کافه‌ی دنج، صدای باران روی سنگفرش، یا عطر قهوه‌ای که در سرما بخار می‌کند، چنان حس زنده‌ای می‌سازد که خواننده خود را در آن لحظه گم می‌کند.

کمتر کسی می‌داند دوائی، منتقد سینمایی